

شناسایی همبسته‌های اجتماعی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت

A Study on the Social Correlates of Degree and Reasons of Agreement or Disagreement with Temporary Marriage

M. E. Riahi, Ph.D. ✉

دکتر محمد اسماعیل ریاحی ✉

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۹/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۰/۵

Abstract

The present study seeks to describe the degree and reasons of agreement or disagreement with advancement and doing Temporary Marriage (TM), as well as to explore the association between socio-demographic variables and agreement or disagreement with TM. The universe of study was all of ۱۸-۴۹ years old men and women who were residents of Babol and Babolsar cities in the Mazandaran Province. The subjects of the study were ۳۳۶ respondents who have been selected on the basis of availability sampling method.

✉ Corresponding Author: Dept. of Social Sciences- Faculty of Humanities- University of Mazandaran- Babolsar

Tel: +۹۸۰۱۱۲۵۳۴۲۶۵۴

Email: m.riahi@umz.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت، و نیز کشف همبستگی بین میزان این موافقت یا مخالفت با برخی عوامل اجتماعی - جمعیتی آن است. این پژوهش در قالب یک تحقیق توصیفی و اکتشافی با روش پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن، جمعیت ۱۸-۴۹ ساله شهرهای بابل و بابلسر بوده است که تعداد ۳۳۶ نفر از آنان، از طریق شیوه نمونه‌گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

✉ نویسنده مسئول: بابلسر، خیابان شهید بهشتی، پردیس دانشگاه

مازندران، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی

تلفن: ۰۱۱۲۵۳۴۲۶۵۴

پست الکترونیکی: m.riahi@umz.ac.ir

This descriptive study is conducted via survey method and data has been collected through self-administered questionnaire.

Descriptive findings of the study show that only ۹.۴ percent of respondents were agree with advancement of TM as a solution for marriage problem of youth in Iran. Furthermore, ۲۶.۵ percent of them were inclining to doing TM personally, as opposed to ۵۸.۳ percent who were not inclined.

The most important reasons for agreement with advancement of TM were helping to; prevention of sexual deviance, decreasing financial pressures on youth and achieving more knowledge about future mate by them for doing permanent marriage. But, abuse of women by men, weakening the foundations of family, and advancement of sexual deviance were the most important disagreement reasons. Moreover, analytical findings show that men, employees, and high income individuals had more inclination for doing TM. It seems that there is a gap between religious purposes of TM with social acceptance of it by social agents.

Keywords: Marriage, Family, Temporary Marriage, Sigheh, Mut'ah.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سهم موافقان و مخالفان ترویج ازدواج موقت به‌عنوان راه‌حل مشکل ازدواج جوانان در جامعه، به ترتیب ۹/۴ و ۵۷/۴ درصد بوده است.

هم‌چنین، ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان در صورت فراهم بودن شرایط، تمایل به انجام ازدواج موقت داشته، در حالی که ۵۸/۳ درصد متمایل به این امر نبوده‌اند. مهم‌ترین دلایل این مسئله عبارتند از: جلوگیری از انحراف جنسی، کمک به کاهش فشارهای مالی بر جوانان و کسب شناخت بیشتر برای ازدواج دائم؛ در حالی که سوءاستفاده مردان، سست شدن پایه های خانواده، و ترویج فساد جنسی به‌عنوان مهم‌ترین دلایل مخالفت ذکر شده است. در مجموع، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ازدواج موقت عمدتاً توسط مردان شاغل دارای درآمد بالا مورد استقبال قرار گرفته است؛ ضمن این که تفاوتی از این لحاظ بین جوانان با میانسالان و سالمندان، و مجردین با متأهلین مشاهده نمی‌شود. می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین هدف دینی از طرح ازدواج موقت در جامعه، با کاربرد اجتماعی آن و میزان اقبال عمومی نسبت به آن شکافی وجود دارد که شاید به آسانی ترمیم‌پذیر نباشد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، خانواده، ازدواج موقت، صیغه، متعه

مقدمه

نهاد خانواده و امر ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری و فرهنگی و دگرگونی جوامع در گذر از نظم سنتی به نظم مدرن، دچار تغییرات چشمگیری شده است. "در جوامع جدید، با تبدیل ازدواج از یک نهاد اجتماعی به یک رابطه اجتماعی (با ویژگی‌هایی نظیر آزادی بیشتر در انتخاب همسر، تأکید بر ابعاد عاطفی و بین‌فردی و خصوصی ازدواج، برابری نسبی بین همسران)، تغییرات شدیدی^{۴۸۷} در ماهیت آن به وجود آمده است. در این مسیر، ناهماهنگی و عدم سازگاری خرده نظام‌های اجتماعی با شرایط در حال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه ازدواج و خانواده می‌شود. بر این اساس، نوع ازدواج سهل و آسان و تابع ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در گذشته، تبدیل به موضوعی بغرنج و محنت‌آفرین در زمان کنونی شده؛ تا جایی که بایستی آن را در حیطه مسائل اجتماعی مورد کندوکاو قرار داد. این وضعیت مشکل‌آفرین ازدواج، موجب تضعیف بنیان خانواده، به خطر افتادن سلامت فرد و جامعه و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ ۸۷-۸۴). بدین ترتیب، تحولات و تغییرات اجتماعی-اقتصادی ایجاد شده در جوامع مدرن، منجر به ایجاد فاصله بین بلوغ جنسی با بلوغ اقتصادی، افزایش سن ازدواج و در نتیجه طولانی شدن سال‌های مجرد گردیده است؛ از این رو، جوانان کمتر از گذشته قادر و یا حاضر به ازدواج دائم هستند.

پژوهش‌ها و آمارهای موجود، همگی حاکی از تغییر در الگوهای ازدواج، به‌ویژه افزایش سن ازدواج جوانان در ایران طی چند دهه اخیر هستند. با این‌که ازدواج در ایران مبتنی بر زودرسی و فراگیری در محدوده سنی بوده ولیکن طی شش سرشماری و آمارگیری، به طور کلی شاهد افت این دو خصیصه هستیم. متوسط سن ازدواج نیز همزمان با کاهش میزان آن، رو به افزایش بوده است (امانی، ۱۳۸۰؛ ۳۳). براساس نتایج سرشماری‌های انجام شده توسط مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵، میانگین سن ازدواج مردان از ۲۴/۱ به ۲۷ سال (۲/۹ سال)، و زنان از ۱۹/۷ به ۲۳/۵ سال (۳/۸ سال) افزایش یافته است (مرکز آمار ایران: سرشماری‌های سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی (مجدالدین، ۱۳۸۶؛ حرازی و همکاران، ۱۳۸۰؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ مقدس‌جعفری و یعقوبی، ۱۳۸۵؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶)، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و جمعیتی (محمودیان، ۱۳۸۳؛ مقدس‌جعفری و یعقوبی، ۱۳۸۵؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ مجدالدین، ۱۳۸۶؛ جعفری‌مژده‌ای، ۱۳۸۲) موجب ایجاد فاصله بین بلوغ جنسی-عاطفی و بلوغ اقتصادی-اجتماعی جوانان و عدم آمادگی آنان برای ازدواج دائم شده است. گذر از این دوران طولانی، بر اثر تشدید تحریکات جنسی توسط فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، دربردارنده

عوارض و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی است. چنین شرایطی زمینه‌های لازم برای برقراری روابط خارج از چارچوب خانواده و ازدواج را فراهم می‌سازند؛ پدیده‌ای که گرچه قدمتی تاریخی دارد اما در جوامع مدرن ماهیتی متفاوت یافته و فراگیر شده است. اگر چنین روابطی در فرهنگ غرب با عوامل و عواقب خاص خود، به بخشی از فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شده است، اما در جامعه ما این‌گونه روابط علی‌رغم حضور پنهان در فضای خصوصی، هیچ‌گاه مقبولیت و مشروعیت اجتماعی تام نیافته و غالباً وصله‌ای ناجور بر پیکره فرهنگ عمومی محسوب می‌گردد. از این رو، ارائه راهکاری برای برون‌رفت از تعارض بین الزام غریزی به ارضای^{۱۹۸۸} نیازهای جنسی و مشکلات موجود در راه ارضای مشروع این نیازها، ضرورت می‌یابد. احیای سنت ازدواج موقت و توصیه به اجرایی و قانونی کردن آن توسط برخی سیاستگذاران حکومتی و دینی، بی‌شک یکی از قابل توجه‌ترین و در عین حال بحث-برانگیزترین راهکارهای ارائه شده برای حل مشکلات ازدواج دائم جوانان است.

ازدواج موقت به‌رغم تردیدناپذیری آن از نگاه فقه شیعه، در چند دهه اخیر یکی از مسائل چالش برانگیز اجتماعی- فرهنگی بوده است. عده‌ای از کارشناسان، رواج ازدواج موقت را باعث شیوع فساد بیشتر در سطح جامعه می‌دانند؛ در حالی که برخی دیگر بر این باورند که ترویج و تشویق به ازدواج موقت، تنها راه جلوگیری از فساد روزافزون جامعه کنونی و جلوگیری از شیوع بیماری‌هایی مانند ایدز است (اسماعیلی، ۱۳۸۴). پیشنهاددهندگان و مدافعان ترویج ازدواج موقت معتقدند که گرچه ازدواج دائم بهترین روش برای هدایت غرایز ذاتی و فطری انسان است، اما از یکسو مسئولیت دائمی و محدودیت‌های ایجاد شده برای زوجین در ازدواج دائم و از سوی دیگر افزایش سن ازدواج به دنبال تغییرات اقتصادی- اجتماعی شدید، احتمال ازدواج دائم جوانان در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوران فعالیت غریزه جنسی، تا حدود زیادی کاهش داده است. شالوده اندیشه موافقان ازدواج موقت آن است که نیاز جنسی واقعیتی غیرقابل انکار است، اما در شرایطی که ازدواج دائم در دوران حاضر با مشکلاتی روبه‌رو است، ازدواج موقت (در صورتی که مورد سوءاستفاده قرار نگیرد)، بهترین گزینه است. هم‌چنین، نرخ بالاتر مرگ و میر در مردان بر اثر بیماری، حوادث و سوانح، و نیز افزایش میزان طلاق در زوج‌های جوان، موجب پایین آمدن سن بیهوشی زنان ایرانی در سال‌های اخیر شده است. ترویج ازدواج موقت می‌تواند بخشی از مشکلات این‌گونه زنان را حل نموده و از انحرافات احتمالی این افراد جلوگیری کند (قاسمی، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر، نسبت به فلسفه وجودی ازدواج موقت، عادلانه بودن، امکان‌پذیری، پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی آن مخالفت‌هایی صورت گرفته است. مخالفین ازدواج موقت بر این باورند که ازدواج موقت یک حکم مقطعی و اضطراری در اسلام بوده و نمی‌تواند به عنوان راهکاری همیشگی مورد استفاده قرار گیرد. ازدواج موقت، می‌تواند موجب ترویج فحشاء، بی-بندوباری، عیاشی و هوسرانی در جامعه شود (کازم‌زاده، ۱۳۸۶). این‌گونه ازدواج، در واقع با سرپوش

گذاشتن روی ارتباطات نامشروع موجب سوءاستفاده مردان متأهل با انگیزه کامیابی جنسی شده و تمایل به ازدواج دائم را در بین جوانان کاهش می‌دهد. همچنین، پایمال شدن حقوق زنان و محرومیت آنان از حمایت‌های قانونی، توأم با مشکلات حقوقی، اخلاقی، و اجتماعی فرزندان حاصل از ازدواج موقت از دیگر دلایل مخالفت با این پدیده است.

گذشته از این مباحث، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در دلایل تمایل به انجام ازدواج موقت، می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد موضوع مورد بحث کمک نماید. به نظر می‌رسد تعدادی از زنانی که حاضر به انجام ازدواج موقت می‌شوند به دلایلی همچون: نیازهای مالی، بی‌حمایتی در اجتماع، نداشتن سرپناه و ناامنی‌های موجود در جامعه تن به این ازدواج می‌دهند؛ چنان‌که نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که بین بالا بودن سطح نیازهای اقتصادی، امنیتی، جنسی و فرهنگی با نگرش مثبت زنان نسبت به ازدواج موقت، رابطه مستقیم و معناداری وجود داشته است (خیری‌خامنه، ۱۳۸۸). همچنین، ازدواج‌های صیغه‌ای توسط زنان عمدتاً به خاطر نداشتن سرپرست و عدم حمایت‌های اجتماعی رسمی (از سوی نهادهای دولتی) و یا غیررسمی (از سوی خانواده و خویشاوندان) صورت گرفته است. این در حالی است که بررسی دلایل گرایش مردان به ازدواج موقت، نشان می‌دهد که به علت فراهم نبودن امکان ازدواج دائم و سهولت ازدواج موقت، مردان مجرد مقید به اندیشه‌های دینی، ممکن است تمایل به انجام ازدواج موقت پیدا کنند. علاوه بر این، مردان متأهلی که پایبندی و تعهد خانوادگی ضعیفی دارند، به دلیل تنوع‌طلبی، هوسرانی، و فرار از پذیرش مسئولیت زندگی خانوادگی دوم، به انجام ازدواج موقت گرایش پیدا می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۴).

موضع‌گیری‌های شدید پیرامون ازدواج موقت، نشانگر میزان اهمیت این پدیده از یک‌سو و کمبود شناخت و آگاهی علمی در این زمینه از سوی دیگر است، که سبب ابراز نظرات افراطی یا تفریطی نسبت به موضوع گردیده است. واقعیت آن است که به منظور شناسایی و ترویج ازدواج موقت، در نظر داشتن جنبه مشروعیت این پدیده در فقه شیعه گرچه لازم و ضروری است، اما کافی به نظر نمی‌رسد. به تعبیر واضح‌تر، علاوه بر پذیرش این نکته که ازدواج موقت دارای ارزش ماهوی بوده و شارع مقدس آن را برای ارضای موقت نیازهای عاطفی و جنسی، مشروع اعلام نموده است، باید به میزان شیوع و اقبال عمومی و نیز نحوه استفاده از آن در بین اعضای جامعه نیز توجه داشت. اگر ازدواج موقت را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، دارای کارکردهای آشکار و مثبت بدانیم، به‌طور حتم نظیر هر پدیده اجتماعی دیگر، بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه، دارای کارکردهای پنهان و منفی نیز خواهد بود. پژوهش‌های علمی و دقیق توسط علمای علوم اجتماعی و انسانی می‌تواند زمینه‌ها، شرایط، ابعاد، علل و پیامدهای فردی و اجتماعی ازدواج موقت را به روشنی تصویر نماید و راه را برای برنامه‌ریزی و قانونگذاری در این زمینه هموار نماید. شاید مهم‌ترین نکته‌ای که در پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی باید مورد تأکید پژوهشگران قرار گیرد، شناسایی نوع نگرش مردم

(به تفکیک ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی) نسبت به ازدواج موقت است. روشن شدن برخی ابهامات در این زمینه و پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی نظیر این که «مردم چه شناختی از مزایا و معایب ازدواج موقت دارند؟ جهت‌گیری احساسی و عاطفی آنها نسبت به آن مثبت، منفی و یا خنثی است، و در صورت فراهم بودن شرایط، آیا تمایل به انجام ازدواج موقت دارند یا خیر.» می‌تواند داده‌های ارزشمندی در اختیار تنظیم‌کنندگان بازار ازدواج قرار دهد.

علی‌رغم اهمیت ابعاد اجتماعی و فرهنگی پدیده ازدواج موقت، پژوهش‌های علمی اندکی در این زمینه صورت گرفته است و اکثر پژوهش‌های انجام^{۱/۴۹۰} شده، نگاهی فقهی و یا حقوقی به موضوع داشته‌اند (باقری قهوه‌چی، ۱۳۸۵؛ غیاثی‌ثانی، ۱۳۸۴؛ غضنفریان، ۱۳۸۴؛ غریب، ۱۳۸۴؛ رستگارمقدم، ۱۳۸۳؛ گداعلی، ۱۳۸۲؛ فلاح‌زاده، ۱۳۷۷؛ حسینی، ۱۳۷۰). در این‌گونه پژوهش‌ها، به‌طور ویژه به بررسی متعه در قرآن، روایات، و اجماع پرداخته شده و ضمن توضیح تاریخیچه، ارکان، احکام، ضرورت‌ها، و نظرات موافقین و مخالفین، مباحث فقهی، حقوقی و تا حدودی اجتماعی در زمینه ازدواج موقت تشریح گردیده است؛ که مباحث اجتماعی طرح شده، به صورت غیرتجربی و عمدتاً در حد نظرات و گفته‌های کارشناسان است.

با این حال، اندک پژوهش‌های اجتماعی انجام شده در زمینه ازدواج موقت که به صورت تجربی صورت گرفته است، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. احمدی و جهانگیری (۱۳۷۶) تفاوت معناداری در نگرش مردان و زنان متأهل نسبت به ازدواج موقت مشاهده کردند که به موجب آن، زنان بیشتر از مردان، مخالف ازدواج موقت بوده‌اند. یافته‌های پژوهش بزرگیان (۱۳۸۴) حاکی از آن است که الگوی جدید ازدواج موقت ارائه شده در تحقیق، گرچه می‌تواند سبب تقویت نهاد ازدواج در جامعه شده و از شیوع فساد و روابط نامشروع در جامعه بکاهد، اما در مقابل سبب تضعیف نهاد خانواده در جامعه می‌شود. هم‌چنین، نتایج پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که ۸۲ درصد از جوانان با ازدواج موقت بین دختران و پسران مخالف بوده‌اند. هم‌چنین، بررسی نگرش نسبت به ازدواج موقت نشان می‌دهد که ازدواج موقت نزد دختران، به علت از دست دادن بکارت و شانس ازدواج دائم با مخالفت بیشتری در مقایسه با پسران همراه بوده است. علاوه بر این، میزان مخالفت با ازدواج موقت در بین باسوادترها، جوان‌ترها، بیکاران و خانه‌دارها، شهرنشینان و اقوامی هم‌چون ترکمن، بلوچ، مازندرانی، و گیلک بیشتر بوده است. مهم‌ترین دلایل مخالفت جوانان با ازدواج موقت عبارت بودند از: منطبق نبودن با فرهنگ و ارزش‌های جامعه، سست شدن بنیان خانواده، گسترش فحشاء و آسیب‌های اجتماعی، افزایش طلاق، فرار دختران و زنان از خانه، رواج هوسرانی و بی‌بندوباری جنسی، افزایش شمار کودکان بی‌هویت و بدون شناسنامه، امکان سوءاستفاده مردان از ازدواج موقت و مردسالارانه بودن آن، توهین به مقام و ارزش زن و تبدیل شدن او به کالایی با تاریخ مصرف مشخص، نادیده گرفتن عواطف انسانی و طرد شدن افرادی که ازدواج موقت کرده‌اند. هم‌چنین، خیری خامنه (۱۳۸۸)

در بررسی نگرش زنان سرپرست خانوار نسبت به ازدواج موقت دریافت که بین بالا بودن سطح نیازهای اقتصادی، امنیتی، جنسی و فرهنگی با نگرش مثبت زنان نسبت به ازدواج موقت رابطه مستقیم و معناداری وجود داشته است. علاوه بر این، زنانی که به علت طلاق بی‌سرپرست شده بودند در مقایسه با زنان همسر فوت شده، نگرش مثبت‌تری به ازدواج موقت داشته‌اند و نیز رابطه معکوسی بین تعداد فرزندان یک زن با نگرش وی نسبت به ازدواج موقت وجود داشته است.

پژوهش حاضر را می‌توان در زمره نخستین تحقیقاتی محسوب نمود که به منظور پر کردن خلاء پژوهشی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط به ازدواج موقت انجام گرفته است. از این‌رو سؤالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: «میزان موافقت یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت در بین ساکنین شهرهای بابل و بابلسر چگونه است؟ - چه نسبتی از افراد حاضرند در صورت فراهم بودن شرایط، ازدواج موقت نمایند؟ - دلایل کلی موافقین و مخالفین ازدواج موقت کدام است و آیا این دلایل بر حسب ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی افراد متفاوت است؟ - آیا میزان پذیرش ازدواج موقت بین زنان و مردان، جوانان و میانسالان، مجردین و متأهلین، شهریان و روستائیان، باسوادان و بیسوادان، شاغلان و بیکاران و اقشار پردرآمد و کم‌درآمد جامعه یکسان بوده و یا برحسب این ویژگی‌ها متفاوت و متغیر است؟» این پژوهش که عمدتاً در حکم یک مطالعه اکتشافی و توصیفی است، شاید بتواند به طرح مسئله و جلب توجه سایر پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی کمک نموده و راهگشای تحقیقات بعدی گردد.

روش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های توصیفی است که به شکل یک مطالعه اکتشافی جهت آشنایی اولیه با میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت صورت گرفته است. لذا در این تحقیق، روش پیمایش مورد استفاده قرار گرفته است. در هر پیمایش محقق نمونه‌ای از جمعیت را انتخاب می‌کند و پرسشنامه‌ای استاندارد شده در اختیار آنان قرار می‌دهد تا به آن پاسخ دهند (بیبی، ۱۳۸۴: ۵۲۹).

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی مردان و زنان ۴۹-۱۸ ساله شهرهای بابل و بابلسر از استان مازندران در سال ۱۳۸۷ تشکیل می‌دهند که مطابق آخرین آمار (سرشماری سال ۱۳۸۵)، تعداد آنها برابر با ۳۵۶۱۲۱ نفر بوده است. براساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران و با احتمال خطای ۵ درصد، تعداد ۳۳۶ نفر با میانگین سنی ۲۷/۶ سال، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. از آنجا که نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس^۱، برای آزمون مقدماتی پرسشنامه یا تحقیقات اکتشافی و

برای اطلاع از دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی آن‌ها مناسب است (دواس، ۱۳۷۶؛ ۸۶)، لذا در این تحقیق با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری غیراحتمالی و با روش نمونه‌گیری در دسترس، پاسخگویانی که در نقاط مختلف شهرهای بابل و بابلسر در دسترس پرسشگران بوده‌اند، به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. لازم به ذکر است که فرایند گردآوری داده‌ها، در عمل به‌گونه‌ای نبوده است که پرسشگران صرفاً در یک منطقه از شهر به گردآوری داده‌ها از افراد در دسترس خود بپردازند، بلکه با گردش در نقاط گوناگون و فضاهای اجتماعی مختلف شهرهای بابل و بابلسر (بازار، پارک، مسجد، دانشگاه، اداره، و ...)، نمونه‌های مایل به همکاری را انتخاب نمودند.

ابزار پژوهش

از آن جا که تحقیق پیمایشی روشی است در گردآوری اطلاعات با درخواست از افراد برای پاسخ دادن به تعدادی پرسش مشخص، لذا اجزای پیمایش عبارتند از: انتخاب نمونه‌ای از پاسخگویان و ارائه پرسش‌های پیمایش به وی با مصاحبه یا ارسال پرسشنامه (بیکر، ۱۳۸۱: ۲۳۵). اطلاعاتی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری می‌گردد می‌تواند در زمینه‌های مختلف از قبیل: عقاید، عواطف، اطلاعات فردی، دینی، فرهنگی و سایر خصوصیات افراد مورد مطالعه به کار آید. این روش عبارت است از مطرح کردن تعدادی پرسش برای مجموعه‌ای از پاسخگویان که غالباً معرف یک جمعیت بزرگترند، در مورد هر نکته‌ای که اطلاع از آن برای محقق جالب است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۲۰۰). از این‌رو، داده‌های تحقیق حاضر از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری گردید.

به منظور طراحی پرسشنامه، به مجموعه‌ای از تحقیقات پیشین (احمدی و جهانگیری، ۱۳۷۶؛ کامیسیون امور بانوان استان فارس، ۱۳۷۷؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ و خیری‌خامنه، ۱۳۸۸) مراجعه گردید و با استخراج برخی متغیرها در زمینه نگرش پاسخگویان نسبت به ازدواج موقت و دلایل موافقت یا مخالفت با آن و اعمال تغییرات لازم، متن نهایی پرسشنامه با ۱۳ مقیاس و پرسش باز و بسته تنظیم شد. با توجه به اهمیت دریافت پاسخ‌های دقیق از پاسخگویان در زمینه دلایل موافقت و یا مخالفت با ازدواج موقت و نیز جهت جلوگیری از ایجاد سوگیری در ذهن آنان، تنها این پرسش به صورت باز پرسیده شد و پاسخ‌های به‌دست آمده، کدگذاری مجدد شده و در ۹ دسته کلی گنجانده شدند. پرسشنامه طراحی شده، در مجموع دارای دو بخش اصلی به شرح زیر بود:

- بخش اول: ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان (نظیر سن، جنس، وضع تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، میزان درآمد ماهیانه، و محل سکونت)
- بخش دوم: متغیر وابسته تحقیق و ابعاد آن (میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ترویج و انجام ازدواج موقت).

به منظور سنجش اعتبار پرسش‌های مورد استفاده، از روش اعتبار صوری^۲ استفاده شده و معرف و معتبر بودن پرسش‌های مربوط به نگرش نسبت به ازدواج موقت با رجوع به متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه خانواده و ازدواج تأیید گردیده است. همچنین، در این تحقیق، برای سنجش پایایی ابزار تحقیق و مقیاس‌های مورد استفاده، از ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است.

میزان موافقت و یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت: کنش‌گران اجتماعی برحسب جایگاه‌شان در ساختار اجتماعی (نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی)، و نیز عضویت‌های گروهی‌شان، ممکن است دارای تجارب و تعاریف متفاوتی از واقعیت‌های اجتماعی جامعه خویش باشند؛ لذا انتظار می‌رود که پاسخگویان مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز برحسب برخی متغیرهای اجتماعی، در نقاط مختلف^۴ از پیوستار نگرش نسبت به ازدواج موقت جای بگیرند. مقصود از مفهوم میزان موافقت یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت، موضع‌گیری پاسخگویان نسبت به ترویج این پدیده در جامعه امروز، به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش مشکلات موجود در زمینه ازدواج جوانان است. به منظور سنجش این مفهوم، یک مقیاس شش گویه‌ای طراحی گردید به‌عنوان نمونه: «در شرایط فعلی کشور، تا چه حد با ترویج ازدواج موقت به عنوان راه‌حلی برای کاهش مشکلات ازدواج جوانان موافقت؟» و از پاسخگویان خواسته شد تا در یک طیف پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)، نظراتشان را مشخص نمایند. کسب نمرات بالاتر در این مقیاس، به منزله موافقت بیشتر نسبت به ترویج ازدواج موقت بوده است. ضریب پایایی محاسبه شده برای این مقیاس بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۷۸۹ بوده است که بیانگر همسازی درونی مناسب بین گویه‌های طرح شده است. جهت سهولت در ترسیم جداول دو بعدی و فهم دقیق‌تر پاسخ‌ها، گزینه‌های پنج‌تایی در نهایت به سه گزینه موافق، بی‌نظر و مخالف تبدیل گردیدند (جدول شماره یک).

میزان گرایش به انجام ازدواج موقت: گرایش به انجام یک رفتار خاص، ریشه در مجموعه‌ای از عوامل سه‌گانه فردی، بین‌فردی و اجتماعی (به‌طور مستقل و یا ترکیبی از هر سه) دارد. گرایش افراد به انجام یک رفتار، می‌تواند وابسته به منابعی باشد که آنان به دلیل جایگاهشان در ساختار اجتماعی جامعه از آن‌ها برخوردارند؛ لذا انتظار می‌رود که پاسخگویان تحقیق حاضر نیز برحسب برخی از متغیرهای فردی و اجتماعی که آنان را در جایگاه‌های اجتماعی متفاوتی قرار می‌دهد، به میزان متفاوتی گرایش به انجام ازدواج موقت از خود نشان دهند. مقصود از مفهوم گرایش به انجام ازدواج موقت، موضع‌گیری پاسخگویان نسبت به آمادگی شخصی آن‌ها به انجام ازدواج موقت در صورت فراهم بودن شرایط است. به منظور سنجش این مفهوم نیز یک مقیاس شش‌گویه‌ای طراحی گردید (به عنوان نمونه: «در صورت فراهم بودن تمامی شرایط، آیا خود شما موافقت می‌کنید که ازدواج موقت انجام دهید؟» و یا «اگر از سن ازدواج شما بگذرد و تنها گزینه شما، انجام ازدواج موقت باشد، آیا

تمایلی به انجام ازدواج موقت دارید؟)) و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا در یک طیف پنج گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)، نظراتشان را مشخص نمایند. کسب نمرات بالاتر در این مقیاس، به منزله آمادگی و تمایل بیشتر نسبت به انجام ازدواج موقت بوده است. ضریب پایایی محاسبه شده برای این مقیاس براساس ضریب آلفای کرونباخ، برابر با $0/732$ بود که بیانگر همسازي درونی نسبتاً مناسب بین گویه‌های طرح شده است (جدول شماره دو).

دلایل موافقت و یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت: هر یک از کنش‌گران اجتماعی ممکن

است به منظور شکل‌دهی به نگرش‌ها و یا انجام رفتارهایشان به دنبال برخی دلایل باشند که این دلایل می‌تواند واقعی یا غیرواقعی، درست یا نادرست، منطقی و یا توجیه‌گرانه باشد. تمامی این دلایل ممکن است بر مبنای تفاسیر شخصی افراد^۴ که از خلال تعامل با سایر کنش‌گران اجتماعی آموخته شده‌اند، شکل بگیرد و خود مبنایی برای انجام دادن یا ندادن یک رفتار و نیز موافقت یا مخالفت با موضعی خاص گردد. لذا مقصود از مفهوم دلایل موافقت و یا مخالفت با ازدواج موقت، انواع تفسیرهایی است که هر یک از پاسخ‌گویان در موافقت یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت در جامعه ارائه نموده‌اند. بدین ترتیب، پاسخ‌گویی که موافق ترویج ازدواج موقت بوده‌اند، به دلایل موافقت خود اشاره نموده و در نقطه مقابل، مخالفان ترویج ازدواج موقت، دلایل خود برای مخالفت را بیان نموده‌اند. به علت باز بودن پرسش مربوط به دلایل، پاسخ‌های متعدد و متنوعی ارائه گردید که در نهایت با ترکیب دلایل مشابه، مجموع پاسخ‌ها در ۹ گروه دسته‌بندی شدند (جدول شماره سه).

متغیرهای اجتماعی - جمعیتی: به منظور مشخص ساختن جایگاه افراد در ساختار اجتماعی و

تعیین نوع نقش‌های انتسابی و اکتسابی آن‌ها، برخی از متغیرهای اجتماعی جمعیتی نظیر جنسیت (مرد، زن)، گروه‌های سنی (۲۷-۱۸ ساله، ۳۸-۲۸ ساله، و ۴۹-۳۹ ساله)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل و مطلقه یا بیوه)، میزان تحصیلات (کمتر از دیپلم، دیپلم، و تحصیلات عالی)، وضعیت اشتغال (شاغل، غیرشاغل)، محل سکونت (شهر و روستا)، میزان درآمد ماهیانه (کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۵۰۰ - ۲۰۰ هزار تومان، و بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان) مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحلیل داده‌ها: داده‌های گردآوری شده در این تحقیق، با استفاده از بسته اختصاصی

علوم اجتماعی^۴ و در دو بخش آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی و درصد و میانگین) و آمار استنباطی در سطح همبستگی (کای اسکوتر، کرامرز وی، و اسپیرمن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان

تعداد ۳۳۶ نفر از ساکنان شهرهای بابل و بابلسر در استان مازندران به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند که ۴۲/۹ درصد از آنان (۱۴۴ نفر) مرد و ۵۷/۱ درصد (۱۹۲ نفر) زن بودند. پاسخگویان تحقیق را عمدتاً جوانان ۲۷-۱۸ ساله تشکیل می‌دادند (۶۲/۲ درصد) و میانگین سنی آن‌ها ۲۷/۶ سال برآورد شده است. نزدیک به سه پنجم از پاسخگویان (۵۷/۷ درصد) مجرد بوده و اکثریت آن‌ها (۶۴/۶ درصد) تحصیلاتی در حد دیپلم داشتند. هم‌چنین بررسی وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که بیش از سه پنجم آنان (۶۱/۹ درصد) غیرشاغل بوده‌اند و میانگین درآمد آن‌ها، رقمی حدود ۳۲۶/۰۰۰ هزار تومان در ماه گزارش شده است. در نهایت، اکثریت پاسخگویان (۸۸/۴ درصد) اعلام کرده‌اند که در مناطق شهری سکونت دارند.

میزان موافقت و یا مخالفت با ترویج ازدواج موقت

داده‌های جدول شماره یک حاکی از آن است که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۴/۷ درصد) با ترویج ازدواج موقت در شرایط فعلی کشور موافق نیستند و تنها حدود یک دهم آن‌ها (۹/۴ درصد)، ترویج ازدواج موقت را راه‌حل مناسبی برای مشکلات ازدواج جوانان دانسته‌اند. با این حال تفاوت جنسیتی قابل ملاحظه‌ای در میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت، مشاهده می‌شود؛ بدین معنی که میزان موافقت مردان با ترویج ازدواج موقت (۱۴/۳ درصد)، حدود ۲/۵ برابر این رقم در بین زنان (۵/۸ درصد) می‌باشد.

جدول ۱: توزیع نظرات پاسخگویان درباره میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت

جمع کل		زنان		مردان		میزان موافقت
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	موافق
۹/۴	۳۱	۵/۸	۱۱	۱۴/۳	۲۰	موافق
۳۶/۰	۱۱۹	۳۲/۵	۶۲	۴۰/۷	۵۷	تا حدودی موافق
۵۴/۷	۱۸۱	۶۱/۸	۱۱۸	۴۵/۰	۶۳	مخالف
۱۰۰	۳۳۱	۵۷/۷	۱۹۱	۴۲/۳	۱۴۰	جمع کل

هم‌چنین داده‌های جدول ۲ نیز در تأیید داده‌های جدول قبلی، حاکی از عدم اقبال عمومی نسبت به ازدواج موقت است. بدین معنی که نزدیک به سه پنجم از پاسخگویان (۵۸/۳ درصد)، گرایشی به انجام ازدواج موقت نداشته‌اند؛ گرچه بیش از یک چهارم پاسخگویان (۲۶/۵ درصد) تمایل خود به انجام ازدواج موقت را گزارش کرده‌اند (در مجموع ۷۳/۵ درصد از پاسخگویان، با انجام ازدواج موقت مخالف و یا تا حدودی موافق بوده‌اند). در این مورد نیز تفاوت نظرات مردان و زنان، قابل ملاحظه بوده است؛ بدین معنی که میزان موافقت مردان با انجام ازدواج موقت توسط خودشان (۴۱ درصد)، ۲/۶ برابر رقم مشابه در بین زنان (۱۵/۶ درصد) بوده است.

جدول ۲: توزیع نظرات پاسخگویان درباره گرایش شخصی به انجام ازدواج موقت

میزان موافقت		مردان		زنان		جمع کل	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۵۹	۴۱/۰	۳۰	۱۵/۶	۸۹	۲۶/۵		
۲۹	۲۰/۱	۲۲	۱۱/۵	۵۱	۱۵/۲		
۵۶	۳۸/۹	۱۴۰	۷۲/۹	۱۹۶	۵۸/۳		
۱۴۴	۴۲/۸	۱۹۲	۵۷/۲	۳۳۶	۱۰۰		

جمع‌بندی نتایج دو جدول مذکور، حاکی از عدم پذیرش و تمایل عمومی نسبت به پدیده ازدواج موقت در شرایط فعلی جامعه ما از یک سو و از سوی دیگر سهم بیشتر مردان در موافقت با ترویج و انجام ازدواج موقت در مقایسه با زنان است. فهم دلایل موافقت‌ها و مخالفت‌ها نسبت به ازدواج موقت، می‌تواند مبنای کارشناسانه و دقیق‌تری برای مطالعات احتمالی فراهم نماید. توصیف جزئیات این دلایل، در جدول ۳ آمده است.

دلایل موافقت و یا مخالفت با ازدواج موقت

بررسی دلایل موافقت با ازدواج موقت حاکی از آن است که بیش از یک سوم موافقین ازدواج موقت (۳۵/۸ درصد) بر این باور بودند که انجام ازدواج موقت می‌تواند از وقوع و شیوع انحرافات جنسی و فساد اخلاقی جلوگیری نماید. کاهش فشارهای مالی ناشی از ازدواج دائم (۱۸/۹ درصد)، ایجاد فرصت مناسب جهت کسب شناخت بیشتر برای ازدواج دائم (۱۱/۶ درصد)، و حل مشکلات شرعی رابطه دختر و پسر در کشور (۱۰/۵ درصد) از دیگر دلایل مهم موافقین بوده است.

جدول ۳: توزیع درصدی علل موافقت و مخالفت پاسخگویان با ازدواج موقت

دلایل موافقت با ازدواج موقت	جنسیت پاسخگویان			دلایل مخالفت با ازدواج موقت	جنسیت پاسخگویان		
	مرد	زن	کل		مرد	زن	کل
جلوگیری از انحرافات جنسی	۳۶/۷	۳۴/۳	۳۵/۸	سوءاستفاده مردان از زن	۱۳/۸	۲۲/۲	۱۹/۵
کاهش فشارهای مالی به جوانان برای ازدواج دائم	۲۳/۳	۱۱/۴	۱۸/۹	سست شدن پایه‌های خانواده	۲۰/۰	۱۹/۳	۱۹/۵
کسب شناخت بیشتر برای ازدواج دائم	۱۰/۰	۱۴/۳	۱۱/۶	ترویج و تشدید فساد جنسی	۲۱/۵	۱۵/۶	۱۷/۵
حل مشکلات شرعی رابطه دختر و پسر	۳/۳	۲۲/۹	۱۰/۵	تضعیف حقوق زنان و متضرر شدن آن‌ها	۹/۲	۱۸/۵	۱۵/۵
پیروری از یک دستور اسلامی	۱۰/۰	۵/۷	۸/۴	کاهش تمایل جوانان به ازدواج دائم	۱۶/۹	۷/۴	۱۰/۵

۷/۰	۸/۱	۴/۶	ترویج حس بی‌اعتمادی و خیانت	۵/۳	۲/۹	۶/۷	کمک به ارضای نیازهای جنسی جوانان
۴/۵	۳/۳	۷/۷	عدم مقبولیت اجتماعی و عرفی	۴/۲	۵/۷	۳/۳	ترویج امنیت و آسایش روانی
۳/۰	۲/۲	۴/۶	مشکلات فرزندان متولد شده	۳/۲	۲/۹	۳/۳	کمک به ارضای نیازهای مردان متأهل
۳/۰	۳/۷	۱/۵	سایر موارد	۲/۱	۰/۰	۲/۳	سایر موارد
$X^2 = ۱۳/۲$ Cramers' V = .۲۵۷ Sig = .۱۰۵				$X^2 = ۱۲/۶$ Cramers' V = .۳۶۴ Sig = .۱۲۶			

گرچه به لحاظ آماری تفاوت جنسیتی معناداری در دلایل اظهار شده توسط مردان و زنان برای موافقت با ازدواج موقت مشاهده نشده است، با این حال داده‌های جدول شماره سه در این زمینه حاوی نکات ارزشمندی می‌باشد. به‌عنوان مثال، در حالی که مهم‌ترین دلایل موافقت مردان با ازدواج موقت، جلوگیری از انحرافات جنسی، و کاهش فشارهای مالی برای ازدواج دائم گزارش شده است، برای زنان دلایلی هم‌چون: جلوگیری از انحرافات جنسی، و به دنبال آن حل مشکلات رابطه دختر و پسر، و فراهم آمدن شرایط مساعد برای شناخت بیشتر جهت ازدواج دائم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در توضیح علل احتمالی این تفاوت‌های جنسیتی، شاید بتوان گفت که ممکن است این تفاوت‌ها بازتاب اهمیت بیشتر مسائل مالی و جنسی برای مردان باشد که تصور می‌کنند با محدودیت‌هایی در این زمینه‌ها مواجه‌اند؛ در حالی که زنان عمدتاً نگران کسب شناخت از همسر آینده و نیز اخذ مجوزهای فرهنگی-اجتماعی لازم برای برقراری رابطه اجتماعی با جنس مخالفند، تا به این وسیله از انحرافات جنسی دور مانده، از همسر آینده‌شان شناخت بهتری کسب نمایند، و مشکلات شرعی و فرهنگی رابطه با جنس مخالف را حل و فصل نمایند.

از سوی دیگر نگاهی به دلایل مخالفین ازدواج موقت نشان می‌دهد که نگرانی راجع به سوء استفاده مردان از قانون ازدواج موقت (۱۹/۵ درصد) و نیز احتمال سست شدن پایه‌های خانواده (۱۹/۵ درصد) از مهم‌ترین دلایل مخالفت پاسخگویان با ازدواج موقت بوده است. جالب آن که ۱۷/۵ درصد از مخالفین، اعتقاد داشته‌اند که ازدواج موقت به ترویج و تشدید فساد جنسی منجر خواهد شد. تضييع حقوق زنان (۱۵/۵ درصد) و کاهش تمایل جوانان به ازدواج دائم (۱۰/۵ درصد) از دیگر دلایل مهم مخالفت با ازدواج موقت بوده است. گرچه به لحاظ آماری تفاوت جنسیتی معناداری در دلایل اظهار شده توسط مردان و زنان برای مخالفت با ازدواج موقت مشاهده نشده است، با این حال داده‌های موجود در این زمینه نیز حاوی نکات قابل تأملی می‌باشد. به‌عنوان مثال؛ مردان مهم‌ترین دلایل مخالفتشان با ازدواج موقت را ترویج و تشدید فساد جنسی، سست شدن پایه‌های خانواده، و کاهش تمایل به ازدواج دائم گزارش کرده‌اند؛ در حالی که برای زنان سوءاستفاده مردان از زنان، سست شدن پایه‌های خانواده، و تضييع حقوق زنان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

همبسته‌های اجتماعی میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت

به منظور شناسایی همبسته‌های اجتماعی میزان پذیرش ازدواج موقت، ارتباط بین میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت و برخی از ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی پاسخگویان در جدول شماره چهار به آزمون گذاشته شده است. همان‌گونه که در جدول مذکور مشاهده می‌شود بین میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت در جامعه و مناسب شمردن آن به‌عنوان راه حل مشکلات ازدواج دائم جوانان در زمان فعلی، با برخی از متغیرهای اجتماعی نظیر جنسیت و وضعیت اشتغال همبستگی معناداری وجود دارد. به‌عنوان مثال، ۱۴/۳ درصد مردان در مقایسه با ۵/۸ درصد زنان موافقت خود را با ترویج ازدواج موقت اعلام کرده‌اند، در حالی که ۶۱/۸ درصد از زنان در مقایسه با ۴۵ درصد از مردان، با ترویج ازدواج موقت در جامعه مخالف بوده‌اند ($P=0/003$). هم‌چنین، شاغلین در مقایسه با افراد غیر شاغل موافقت بیشتری با ترویج ازدواج موقت داشته‌اند.

این در حالی است که همبستگی معناداری^{۱/۴۹۸} بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، و محل سکونت پاسخگویان با میزان موافقت با ترویج ازدواج موقت مشاهده نشده است؛ گرچه درصد موافقین با ترویج ازدواج موقت در بین پاسخگویان مسن‌تر، متأهل، دارای تحصیلات پائین، دارندگان درآمدهای بالاتر، و ساکنان مناطق روستایی بیشتر بوده است.

جدول ۴: بررسی میزان همبستگی بین موافقت با ترویج ازدواج موقت و متغیرهای اجتماعی - جمعیتی

سطح معناداری	آزمون همبستگی	میزان موافقت (درصد)			متغیرهای اجتماعی - جمعیتی	
		مخالف	تا حدودی موافق	موافق		
۰/۰۰۳	کای اسکوتر = ۱۱/۹ کرامرز وی = ۰/۱۹۰	۴۵/۰	۴۰/۷	۱۴/۳	مرد	جنسیت
		۶۱/۸	۳۲/۵	۵/۸	زن	
۰/۲۲۹	اسپیرمن = ۰/۰۶۶	۵۱/۹	۳۹/۳	۸/۷	۱۸-۲۷ ساله	سن
		۵۷/۷	۲۶/۹	۱۵/۴	۲۸-۳۸ ساله	
		۶۱/۷	۳۶/۲	۲/۱	۳۹ سال و بالاتر	
۰/۲۶۶	کای اسکوتر = ۵/۲۱ کرامرز وی = ۰/۰۸۹	۵۰/۰	۴۱/۱	۸/۹	مجرد	وضعیت تأهل
		۶۱/۴	۲۸/۸	۹/۸	متأهل	
		۵۵/۶	۳۳/۳	۱۱/۱	بیوه و مطلقه	
۰/۸۵۹	کای اسکوتر = ۱/۳۱ کرامرز وی = ۰/۰۴۵	۵۵/۶	۳۳/۳	۱۱/۱	کمتر از دیپلم	میزان تحصیلات
		۵۳/۷	۳۷/۹	۸/۴	دیپلم	
		۵۶/۸	۳۲/۱	۱۱/۱	تحصیلات عالی	
۰/۰۴۹	کای اسکوتر = ۶/۰۴ کرامرز وی = ۰/۱۳۵	۴۷/۶	۳۸/۹	۱۳/۵	شاغل	وضعیت اشتغال
		۵۹/۰	۳۴/۲	۶/۸	غیر شاغل	
۰/۰۷۱	اسپیرمن = ۰/۱۵۹	۲۶/۷	۳۵/۴	۸/۳	کمتر از ۲۰۰ هزار	میزان درآمد ماهیانه
		۴۰/۰	۳۷/۳	۱۱/۹	۲۰۰-۵۰۰ هزار	
		۳۳/۳	۴۰/۰	۲۶/۷	بیشتر از ۵۰۰ هزار	
۰/۳۹۸	کای اسکوتر = ۱/۸۴ کرامرز وی = ۰/۰۷۵	۵۵/۸	۳۵/۳	۸/۹	شهر	محل سکونت
		۴۴/۷	۴۲/۱	۱۳/۲	روستا	

همبسته‌های اجتماعی میزان تمایل شخصی به انجام ازدواج موقت

شناسایی میزان تمایل شخصی افراد به انجام ازدواج موقت در صورت مساعد بودن شرایط، مهم‌تر از داشتن آگاهی صرف راجع به میزان موافقت و یا مخالفت افراد با ترویج ازدواج موقت در جامعه می‌باشد. بدین منظور، در جدول شماره پنج به بررسی میزان همبستگی بین تمایل شخصی پاسخگویان به ازدواج موقت و برخی از ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها پرداخته شده است. بر این اساس، بین متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال، و میزان درآمد ماهیانه با میزان تمایل به ازدواج موقت رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت واضح‌تر، مردان در مقایسه با زنان، شاغلین در مقایسه با غیرشاغلین، و دارندگان درآمدهای بالاتر در مقایسه با پاسخگویان کم درآمدتر تمایل بیشتری به انجام ازدواج موقت داشته‌اند. به عنوان نمونه، ۴۱ درصد مردان در مقایسه با ۱۵/۶ درصد زنان موافقت خود را با ترویج ازدواج موقت اعلام کرده‌اند، در حالی که ۷۲/۹ درصد از زنان در مقایسه با ۳۸/۹ درصد از مردان با ترویج ازدواج موقت در جامعه مخالف بوده‌اند ($p = ۰/۰۰۰$).

جدول ۵: بررسی میزان همبستگی بین تمایل شخصی به انجام ازدواج موقت و

متغیرهای اجتماعی - جمعیتی

سطح معناداری	آزمون همبستگی	میزان موافقت (درصد)			متغیرهای اجتماعی - جمعیتی	
		مخالف	تا حدودی موافق	موافق		
۰/۰۰۰	کای اسکوئر = ۴۰/۳۷ کرامرز وی = ۰/۳۴۷	۳۸/۹	۲۰/۱	۴۱/۰	مرد	جنسیت
		۷۲/۹	۱۱/۵	۱۵/۶	زن	
۰/۱۴۰	اسپیرمن = ۰/۰۸۱	۵۹/۳	۱۶/۳	۲۴/۴	۱۸-۲۷ ساله	سن
		۵۶/۳	۱۵/۰	۲۸/۸	۲۸-۳۸ ساله	
		۵۷/۴	۱۰/۶	۳۱/۹	۳۹ سال و بالاتر	
۰/۷۶۷	کای اسکوئر = ۱/۸۳ کرامرز وی = ۰/۰۵۲	۵۸/۲	۱۷/۰	۲۴/۷	مجرد	وضعیت تأهل
		۵۷/۹	۱۲/۸	۲۹/۳	متأهل	
		۶۶/۷	۱۱/۱	۲۲/۲	بیوه و مطلقه	
۰/۴۴۴	کای اسکوئر = ۳/۷۲ کرامرز وی = ۰/۰۷۴	۴۲/۷	۱۶/۷	۳۶/۱	کمتر از دیپلم	میزان تحصیلات
		۶۰/۸	۱۵/۷	۲۳/۵	دیپلم	
		۵۶/۶	۱۳/۳	۳۰/۱	تحصیلات عالی	
۰/۰۰۰	کای اسکوئر = ۱۷/۰۷ کرامرز وی = ۰/۲۲۵	۴۵/۳	۱۶/۴	۳۸/۳	شاغل	وضعیت اشتغال
		۶۶/۳	۱۴/۴	۱۹/۲	غیر شاغل	
۰/۰۱۸	اسپیرمن = ۰/۲۰۶	۶۰/۴	۱۰/۴	۲۹/۲	کمتر از ۲۰۰ هزار	میزان درآمد ماهیانه
		۴۳/۵	۱۸/۸	۳۷/۷	۲۰۰-۵۰۰ هزار	
		۳۳/۳	۱۳/۳	۵۳/۳	بیشتر از ۵۰۰ هزار	
۰/۱۵۰	کای اسکوئر = ۳/۸۰ کرامرز وی = ۰/۱۷۰	۵۷/۸	۱۶/۶	۲۵/۷	شهر	محل سکونت
		۶۱/۵	۵/۱	۳۳/۳	روستا	

هم‌چنین، ۳۸/۳ درصد شاغلین در مقایسه با ۱۹/۲ درصد از افراد غیرشاغل تمایل به انجام ازدواج موقت داشته‌اند؛ در حالی که ۶۶/۳ درصد از افراد غیرشاغل در مقایسه با ۴۵/۳ درصد شاغلین عدم تمایل شخصی خود را برای انجام ازدواج موقت اعلام کرده‌اند ($p=0/000$). لازم به ذکر است که بین سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، و محل سکونت با تمایل به ازدواج موقت رابطه معناداری مشاهده نشده است، گرچه درصد افراد خواهان ازدواج موقت در بین جوانان، بیوه‌ها/مطلقه‌ها، کم سوادترها، و روستانشینان بیشتر از سایرین بوده است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با پدیده ازدواج موقت و شناسایی همبسته‌های اجتماعی - جمعیتی آن در بین ساکنین شهرهای بابل و بابلسر در استان مازندران صورت گرفته است که بیانگر همبستگی بین میزان این موافقت و یا مخالفت، با موقعیت اجتماعی افراد مورد بررسی می‌باشد. نتایج توصیفی تحقیق، حاکی از میزان بالای مخالفت اجتماعی نسبت به ازدواج موقت است؛ به‌گونه‌ای که تنها حدود یک دهم از پاسخگویان نظر موافق نسبت به ترویج ازدواج موقت در جامعه داشته‌اند. هم‌چنین، تنها حدود یک چهارم از آنان، گرایش به انجام ازدواج موقت داشته‌اند. این ارقام که حاکی از عدم پذیرش و مقبولیت اجتماعی ازدواج موقت در بین مردم این شهرها است، با نتایج پژوهش انجام شده توسط صادقی و همکاران (۱۳۸۶) در سطح ملی که نشان می‌دهد ۸۲ درصد از جوانان کل کشور با ازدواج موقت بین دختران و پسران مخالف بوده‌اند، همخوانی دارد. با این حال، میزان مخالفت با ازدواج موقت در بین تمامی افراد مورد بررسی یکسان نبوده و تحت تأثیر موقعیت اجتماعی پاسخگویان، نوساناتی داشته است؛ بدین معنی که بیشترین مخالفت با ترویج ازدواج موقت در جامعه توسط زنان، میانسالان، متأهلین، دارندگان تحصیلات عالی، بیکاران و غیرشاغلین، افراد با درآمد متوسط، و شهرنشینان اظهار شده است. این در حالی است که زنان، جوانان، مجردین، دیپلمه‌ها، بیکاران و افراد غیرشاغل، کم درآمدها، و روستانشینان بیشترین مخالفت را با انجام ازدواج موقت توسط خودشان ابراز داشته‌اند. به نظر می‌رسد قانون ازدواج موقت، عمدتاً مورد پذیرش و اقبال دارندگان منابع و موقعیت‌های برتر اجتماعی - اقتصادی، یعنی مردان، افراد گروه سنی بالاتر، متأهلین، شاغلین، و دارندگان درآمدهای بالاتر است. این در حالی است که مدافعان ازدواج موقت، این قانون را عمدتاً راهی برای حل مشکلات ازدواج دائم جوانان، بیکاران و یا افراد کم درآمد معرفی می‌نمایند. نتایج تحقیق حاضر که نشانگر میزان بالاتر مخالفت با ازدواج موقت توسط زنان، جوان‌ترها، باسوادترها و بیکاران است مؤید یافته‌های پژوهش‌های پیشین (احمدی و جهانگیری، ۱۳۷۶؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶) می‌باشد.

گرچه می‌توان دلایل تمایل برای انجام ازدواج موقت را با استفاده از رویکردهای نظری گوناگونی تبیین و تحلیل نمود، اما با عنایت به این‌که تحقیق حاضر عمدتاً به شکل توصیفی و اکتشافی صورت گرفته و متغیرهای مستقل و وابسته آن از متن یک چارچوب نظری خاص استخراج نشده‌اند، لذا نمی‌توان تحلیل تئوریک نابی ارائه نمود. با این حال، با استمداد از برخی مفروضات نظری در نظریه‌های مبادله اجتماعی و انتخاب عقلانی، شاید بتوان به دلایل احتمالی نوسانات در میزان تمایل به ازدواج موقت اشاره نمود و از آن‌ها جهت طرح ریزی بنای پژوهشهای بعدی در این زمینه سود جست. مطابق اصول اساسی نظریه مبادله اجتماعی (۴)، رفتار برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین برابر باشد.

در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد (بدار و دیگران؛ ۱۳۸۱: ۲۶).

هم‌چنین، در چارچوب نظریه‌های انتخاب عقلانی^۵ و به طور مشخص نظریه انتظار- ارزش^۶ ادواردز، تصمیمات افراد بر مبنای دو عامل اتخاذ می‌گردند: ۱- ارزش بازده‌های تصمیمات مختلف احتمالی (میزان ارزشمندی گزینه مورد نظر)؛ ۲- احتمال حصول هر بازده بر اثر گرفتن یک تصمیم احتمالی (امکان دسترسی و دستیابی به گزینه مورد نظر). این مدل‌های منطقی پیش‌بینی‌های روشنی در مورد این که تصمیمات چگونه باید گرفته شوند، ارائه می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۲؛ ۴۳).

بدین ترتیب و بر اساس نظریه انتظار- ارزش، می‌توان مفروض داشت که برای برخی از افراد که گرایش بیشتری به انجام ازدواج موقت داشته‌اند (نظیر مردان، میانسالان، متأهلین، شاغلین، و افراد پردرآمدتر)، احتمالاً دسترسی به ازدواج موقت و منافع جنسی- عاطفی حاصل از آن، مهم‌تر از میزان ارزشمندی این نوع ازدواج می‌باشد؛ این در حالی است که برای برخی دیگر (نظیر زنان، جوانان، مجردین، افراد غیرشاغل، و افراد کم‌درآمدتر) میزان ارزشمندی ازدواج دایم (و یا انواع دیگری از روابط با جنس مخالف بدون انجام ازدواج) به حدی است که تمایل کمتری به درگیر شدن در فرایند ازدواج موقت دارند. هم‌چنین، در راستای نظریه مبادله اجتماعی می‌توان فرض نمود که زنان، جوانان، مجردین، افراد غیرشاغل و کم‌درآمدها احساس می‌کنند که هزینه‌ها و مضار تن دادن به ازدواج موقت بیشتر از فواید و منافع آن است (برای مثال: بدنامی و یا از دست دادن بکارت برای دختران جوان، یا تأمین موقت معیشت همسر و نیز الزام به پذیرش مسئولیت فرزند احتمالی حاصل از ازدواج موقت توسط پسران جوان)؛ در حالی که برای مردان، میانسالان، متأهلین، و افراد شاغل و پر درآمد منافع برخوردارگی از مزایای ازدواج موقت بر هزینه‌های ازدواج دایم یا ازدواج مجدد و یا

روابط نامشروع ارجحیت دارد (به‌عنوان مثال: عدم نیاز به ثبت رسمی ازدواج موقت در شناسنامه یا حتی دفاتر ثبت ازدواج و نیز عدم الزام مردان به تهیه مسکن و سایر ملزومات زندگی در ازدواج موقت و در مقابل، برخورداری از فواید و منافع ازدواج). بدین ترتیب، این مردان و زنان از یک‌سو به مقایسه منافع و هزینه‌های حاصله برای خود، در مقایسه با منافع و هزینه‌های حاصله برای طرف مقابل خود در ازدواج موقت دست می‌زنند و از دیگر سو، هزینه‌ها و منافع درگیر شدن در ازدواج دائم را در مقایسه با ازدواج موقت، محاسبه می‌نمایند. در گام نهایی، آن نوع ازدواج و آن نوع رابطه با جنس مخالف انتخاب خواهد شد که منافع بیشتر و هزینه‌های کمتری (از نظر مادی و غیرمادی) داشته باشد.

بدیهی است که اگر شرایطی در جامعه فراهم گردد (رایج شدن روابط خارج از چارچوب عرفی و شرعی با جنس مخالف) که افراد بتوانند بدون پرداختن هزینه‌های ازدواج، از منافع ناشی از آن بهره‌مند گردند، در آن صورت امکان انجام ازدواج موقت نیز کاهش خواهد یافت. دور شدن از ارضای نیازهای جنسی به شکل مشروع و تن دادن به روابط نامشروع^۲ با جنس مخالف، زمانی شدت خواهد گرفت که ازدواج موقت، مورد پذیرش اجتماعی قرار نگیرد. به نظر می‌رسد با توجه به این که در جامعه ما، هنوز ازدواج موقت به‌عنوان یک هدف اجتماعی ارزشمند و مقبول، تعریف و ترویج نشده است، لذا ممکن است برچسب ناهمنوایی و حتی کجروی اجتماعی بر کسانی زده شود که ازدواج موقت انجام می‌دهند (به ویژه زنان و دختران جوان). از این‌رو، اگر قرار باشد که ازدواج موقت گرهی از کار فروبسته ازدواج در شرایط فعلی جامعه ما باز نماید، آن‌گاه نخستین و مهم‌ترین گام در ترویج آن، سعی در نهادینه کردن، کاهش قبح اجتماعی، و معرفی این پدیده به‌عنوان یک ارزش اجتماعی می‌باشد. در این صورت، می‌توان انتظار داشت که اگر جوانان قادر به انجام ازدواج دائم (که ارزشمندتر ولی دست نیافتنی‌تر است) نیستند، حداقل از بین ازدواج موقت و روابط خارج از دایره شرع و عرف، انجام ازدواج موقت را ترجیح دهند.

از دیگر یافته‌های با اهمیت پژوهش حاضر، شناسایی برخی از مهم‌ترین دلایل موافقت و یا مخالفت با ازدواج موقت است. در یک جمع‌بندی کلی، شاید بتوان گفت دل‌گرمی اصلی موافقین ازدواج موقت در تحقیق حاضر آن است که این قانون می‌تواند با پوشش دادن به جوانان مجرد، موجب حل مشکلات شرعی روابط دختر و پسر شده با کمک به ارضای مشروع نیازهای جنسی آنان، موجب جلوگیری از انحرافات جنسی در جامعه گردیده و بار مالی ازدواج دائم را از دوش جوانان و خانواده‌هایشان بردارد. حال آن‌که به نظر می‌رسد دغدغه اصلی مخالفین ازدواج موقت آن است که قانون ازدواج موقت که عمدتاً برای رفع مشکلات ازدواج جوانان مجرد طراحی شده است، ممکن است بیشتر توسط مردان متأهل مورد استفاده قرار گرفته و منجر به سوءاستفاده مردان و تضییع حقوق زنان و نیز سست شدن پایه‌های خانواده و ترویج و تشدید فساد جنسی گردد. از این‌رو، به نظر می‌رسد

بین هدف شرعی و قانونی ازدواج موقت (کمک به ارضای نیازهای جوانان فاقد شرایط برای ازدواج دائم) با کاربرد اجتماعی آن (مورد اقبال قرار گرفتن توسط مردان متأهل و شاغل با درآمدهای بالاتر)، شکافی حاصل شده است که سیاستگذاران می‌باید نسبت به ترمیم آن اقدامات کارشناسانه و سنجیده‌ای انجام دهند. واقعیت آن است که جهت ترویج ازدواج موقت در جامعه، نمی‌توان صرفاً به ابعاد و ضرورت‌های دینی آن تکیه نمود، چرا که تا زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی پذیرش ازدواج موقت به عنوان راه‌حلی برای مشکل ازدواج جوانان در جامعه فراهم نگردد، این قانون نه تنها مورد اقبال عمومی قرار نمی‌گیرد بلکه ممکن است توسط برخی از اقشار اجتماعی، مورد سوءاستفاده نیز واقع شود. به عبارت دیگر، وقتی اکثریت اعضای جامعه، یک پدیده را با ارزش تلقی نمودند، آن پدیده به ارزش اجتماعی تبدیل می‌گردد. لذا پدیده‌هایی که ماهیتاً ارزش واقعی دارند، فقط وقتی به ارزش اجتماعی تبدیل می‌شوند که رهبران آن جامعه بتوانند آن ارزش را در جامعه اشاعه دهند و به یک هنجار تبدیل نمایند (رفیع‌پور، ۱۳۷۶؛ ۱۶۳).

در انتها لازم به ذکر است که پژوهش حاضر از جمله نخستین پژوهش‌های انجام شده در زمینه میزان پذیرش ازدواج موقت در جامعه است که تنها در بین ساکنین دو شهر در کشور انجام شده است. از این رو، ضمن با اهمیت محسوب نمودن نتایج به دست آمده، باید با احتیاط نسبت به آن‌ها برخورد نمود. بدین خاطر، ضروری است تا با انجام پژوهش‌های متعدد در شهرهای مختلف، داده‌های دقیق‌تری راجع به میزان و دلایل موافقت و یا مخالفت اجتماعی با پدیده ازدواج موقت جمع‌آوری گردد تا بر اساس آن، زمینه‌های لازم جهت انجام سیاست‌گذاری‌های کلان و اجرای برنامه‌ریزی‌های ملی فراهم آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. Availability samples
۲. Content Validity
۳. Chronbach's Alpha
۴. Social Exchange Theory
۵. Rational Selection Theory
۶. Expectancy-Value Theory

منابع

- احمدی، ح (۱۳۷۶). تأثیر عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر نگرش جوانان و والدین نسبت به ازدواج موقت در شهر شیراز. شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- اسماعیلی، ف. (۱۳۸۴). ازدواج موقت؛ موافقان و مخالفان. روزنامه اعتماد؛ شنبه ۱۳۸۴/۵/۱ شماره ۸۸۷ صفحه ۸.

- امانی، م. (۱۳۸۰). نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۷، ۳۳-۴۶.
- باقری قهوه‌چی، ر. (۱۳۸۵). *بررسی ازدواج موقت و آثار اجتماعی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران.
- ببی، ا. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (ترجمه ر. فاضل). تهران: انتشارات سمت.
- بدار، ل؛ دزبل، ژ؛ و لامارش، ل (۱۳۸۱). *روانشناسی اجتماعی* (ترجمه ح. گنجی، چاپ دوم). تهران: نشر ساوالان.
- بزرگیان، م. (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی ساختار حقوقی ازدواج موقت در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بیکر، ت. (۱۳۸۱). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی* (ترجمه ه. نایی، چاپ دوم). تهران، انتشارات روش.
- جعفری مژده‌ی، ا. (۱۳۸۲). *عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران. فصلنامه پژوهش زنان*، ۵، ۱۰۴-۸۳.
- حرازی، م. ع.، حسینی مطلق، س. م.، و صدریان، م. ر. (۱۳۸۰). *بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد*، ۱، ۴۴-۳۷.
- خیری خامنه، ب. (۱۳۸۸). *بررسی نگرش زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد شهر شیراز نسبت به ازدواج موقت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- حسینی، ع. (۱۳۷۰). *نکاح موقت در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). *بیمایش در تحقیقات اجتماعی* (ترجمه ه. نایی). تهران: نشر نی.
- رستگارمقدم، ز. (۱۳۸۳). *ازدواج موقت در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، ر.، قدسی، ع. م.، و افشارکهن، ج. (۱۳۸۶). *واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. فصلنامه پژوهش زنان*، ۱، ۸۳-۱۰۸.
- غریب، ر. (۱۳۸۴). *طلاق قضایی و تسری آن به نکاح موقت با مطالعه در حقوق عرفی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- غضنفریان، ص. (۱۳۸۴). *شرایط و موانع نکاح موقت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- غیاثی‌ثانی، ا. (۱۳۸۴). *بررسی عقد موقت و ازدواج کودک در فقه و حقوق با رویکردی بر نظرات حضرت امام (ره)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران.
- فلاح‌زاده، ف. (۱۳۷۷). *بررسی نکاح موقت در فقه امامیه و تطبیق با دیگر مذاهب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، قم.
- قاسمی، س. (۱۳۸۴). *ساختار اجتماعی ما صیغه را نمی‌پذیرد*، روزنامه اعتماد؛ شنبه ۱۳۸۴/۵/۱ به شماره ۸۸۷ صفحه ۸.
- کاظم‌زاده، و. (۱۳۸۸). *ازدواج موقت و شرایط آن* (آنلاین). قابل دسترسی در: www.aftab.ir
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۳). *تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن*. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۳، ۱۲۴-۱۰۳.
- کریمی، ی. (۱۳۸۲). *روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها* (چاپ یازدهم). تهران: نشر ارسباران.
- کمیسیون امور بانوان استان فارس (۱۳۷۷). *نگرش جوانان شهر شیراز نسبت به ازدواج موقت*. گزارش طرح پژوهشی.
- کیوی، ر.، و کامپنهود، ل. (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی* (چاپ ششم). تهران: نشر توتیا.
- گداعلی، ل. (۱۳۸۲). *ازدواج موقت و آثار اجتماعی آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

مجدالدین، ا. (۱۳۸۶). بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان. پژوهش‌نامه علوم انسانی، ۵۳، ۶-۳۷۵.

محمودیان، ح. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۲۴، ۲۷-۵۳.
 مقدس جعفری، م. ح. و یعقوبی چوبری، ع. (۱۳۸۵). تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۲، ۸۹-۱۱۰.

